

الحمد لله
الرحمن
الرحيم

جمهوری اسلامی

(چالش‌ها و تدبیرها)

باباعلی محمدی آذر (شاه محمدی)

پاییز ۱۴۰۲

فهرست

به جای مقدمه	۹
پرهیز از افراط و تفریط	۱۱
اسلام دین نوع دوستی	۱۵
وظیفه‌ی انسان نسبت به خدا:	۱۶
وظیفه‌ی انسان نسبت به خود:	۱۶
وظیفه‌ی انسان نسبت به جامعه:	۱۷
جریاناتی از ایشان حمایت می‌کنند که از آن‌ها بوی فتنه می‌آید	۲۱
چرا در معرفی دستاوردهای جمهوری اسلامی سستی می‌کنیم؟	۲۷
نقش مردم در سلامت جامعه و مقابله با مفاسد!	۳۳
چگونه می‌توان تمدن‌سازی کرد؟	۴۱
چرا تاریخ عاشورا این گونه رقم خورد؟	۵۳
نفاق همواره حکومت‌ها را از درون می‌پوساند	۵۹
الف- نفاق در قرآن:	۵۹
ب- نفاق در نهج البلاغه:	۶۱
ج- نفاق در میان جریانات سیاسی و بعضی از دولتمردان:	۶۱
خدا کند گرفتار فراموشی تاریخی نشویم!	۶۵
همه‌ی دوستداران انقلاب اسلامی باید تحول‌خواه (طرفداران اصلاحات) باشند	۷۳
آیا خائن‌ها مملکت را اداره می‌کنند؟	۸۳
تاریخ آئینه‌ی عبرت است	۹۱
چند نکته قابل تأمل درباره‌ی رقابت‌های جناحی در جمهوری اسلامی:	۹۷

- اهل دنیا و آخرت..... ۹۹
- تا ضعیفید زیر بار اقویا هستید..... ۱۰۳
- الف- بهره‌مندی از دانش هسته‌ای: ۱۰۴
- ب- تقویت بنیه‌ی معنوی: ۱۰۴
- ج- ساده زیستی مسئولان: ۱۰۵
- د- خوداتکایی ملی: ۱۰۵
- ه- پشتوانهی مردمی حکومت: ۱۰۶
- خ- ایمان به خدا و اعتماد به نفس: ۱۰۸
- در مقابله با آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی فرافکنی هیچ مشکلی را حل نمی‌کند ۱۱۱
- آیا امانت‌دار خوبی برای شهدا هستیم؟ ۱۱۹
- انگیزه‌ی انتقام‌گیری امریکا از جمهوری اسلامی که منجر به ترور شهید حاج قاسم سلیمانی شد ۱۲۳
- به بهانه‌ی دومین سالگرد (۱۳۹۷/۱۰/۱۳) شهادت شهید قدس (حاج قاسم سلیمانی) ۱۲۷
- تحریم‌ها فرصتی برای باور به توان داخلی و خودکفایی و خوداتکایی ۱۳۳
- به بهانه‌ی انتقال دولت از دوازدهم به سیزدهم ۱۴۱
- مراقبت و محاسبه نفس ۱۴۷
- آیا مسیر خوشبختی از دانشگاه و حوزه می‌گذرد ۱۵۳
- رعایت حق الناس ۱۵۹
- تأثیر اقامه‌ی قسط و عدل در مقابله با جنگ نرم و برپایی امنیت پایدار ۱۶۵
- آفت‌های تجمل‌گرایی ۱۷۱
- سیستم اداری ناسالم یکی از موانع رسیدن به عدالت اجتماعی ۱۷۷
- آیا هر سخنی را باید پذیرفت؟ ۱۸۱
- کار جوهر وجود انسان است ۱۸۹

چرا هدایت الهی ویژه‌ی پرهیزکاران است؟	۱۹۵
تملق و چاپلوسی آفت زندگی اجتماعی انسان	۱۹۹
چرا مقاومت مردم ایران در مقابل دشمن بعثی و حامیانش دفاع مقدس نام گرفت؟	۲۰۹
جوانان موتور محرکه‌ی انقلاب	۲۱۵
سخنی چند با مسئولان	۲۲۳
از دست دادن اعتماد عمومی کاری‌ترین ضربه به یک نظام سیاسی است	۲۳۳
چرا بعضی از مواقع در برابر دشمن آسیب‌پذیر هستیم؟	۲۳۹
بیا بید دنیا را بسازیم نه با دنیا بسازیم	۲۴۷
اتحاد مثلث شوم، صهیونیسم، استکبار جهانی و منافقین علیه انقلاب اسلامی	۲۵۳
آگاهی مسئولیت‌آور است	۲۶۱
1- اقتصادی:	۲۶۳
2- علمی و فناوری:	۲۶۴
3- دفاعی و نظامی:	۲۶۵
4- خودسازی و مبارزه با امیال نفسانی:	۲۶۶
5- صیانت از اسلام و انقلاب وظیفه‌ی همگانی است:	۲۶۷
رمز ماندگاری جمهوری اسلامی	۲۶۹
انقلاب اسلامی به زبان ساده	۲۷۷
مساجد قرارگاه دفاع از ارزش‌های اسلام و انقلاب	۲۸۷
دلیل اول:	۲۸۹
دلیل دوم:	۲۸۹
دلیل سوم:	۲۹۱
سلامت اخلاقی جامعه و تداوم انقلاب اسلامی	۲۹۳

انتقاد ترمز قدرت است..... ۳۰۱

آسیب‌های دین‌داری در دنیای مدرن..... ۳۰۹

شعار سال..... ۳۱۷

آیا می‌دانیم وارث چه خون‌هایی هستیم؟..... ۳۲۳

فهرست منابع..... ۳۲۷

tnbook.ir

□ به جای مقدمه

انگیزه‌ی اصلی بیشتر نویسندگان دینی و انقلابی خدمت به اجتماع و اسلام عزیز و استقلال و عزت و سربلندی مملکت اسلامی ایران است و هر قدمی که به این هدف مقدس کمک کند مقصود اصلی نگارش و زحمات کشیده شده تأمین می‌شود. اثری که به اجتماع عرضه می‌شود، اگر در پیشگاه خدا مورد قبول واقع نشود و در راه مبارزه با مفاسد اجتماعی قدرت پیشگیری نداشته باشد و در جامعه، رشد دینی، اجتماعی و فکری و همراهی با ارزش‌های انقلاب و احساس مسئولیت در پاسداری از آرمان‌های امام خمینی و شهدا و... به وجود نیامد و آنان را در راه سعادت و عظمت و خیر دنیا و آخرت قرار ندهد، ذره‌ای ارزش ندارد؛ اما اگر بتواند به آرمان‌های بالا کمک کند لذتی روان بخش به انسان دست می‌دهد که تمام سختی‌های مسیر را به دست فراموشی می‌سپارد. امید آن است که این نوشته مورد قبول واقع گردد و مقصود حقیر از این نگارش رضایت خدا و احساس مسئولیت در پیام‌رسانی خون شهدا و پاس- داشت ارزش‌های انقلاب است.

بار پروردگار! کمکم کن و به من اخلاص بده تا در این کاری که شروع کرده‌ام همانند شهدا وظیفه‌ام را به نحو احسن به سرانجام برسانم؛ و از هر گونه غل و غش دورم کن و سرانجام کارهایمان را همانند شهدا ختم به خیر کن تا رضای تو و خشنودی فرستادگانت و در رأس آن‌ها محمد مصطفی (ص) و ائمه معصومین (ع) هدف کارهایمان باشد.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

بار پروردگارا! ما را در مبارزه با شیطان و طاغوت درون یاری کن و اگر در مبارزه با هواهای نفسانی موفق نشویم و غرور و منیت و عجب و خودپسندی بر ما مستولی گردد چه فرجام بدی در پیش خواهیم داشت.^۱

بار پروردگارا! آن روحیه‌ی خودشناسی که به شهدا عطا کردی تا از خود شروع کنند و به تو برسند و بندگی با اخلاص داشته باشند و جلب رضای تو بنمایند و از الطاف کریمانهات «عند ربهم یرزقون» بهره‌مند شوند به ما هم عطا بفرما تا در زندگی اسیر نفس اماره نشده و به پیراهه نرویم و سرمایه‌ی عمرمان را در پای نفس به عبث هزینه نکنیم و به زیانکاری و خسران دنیا و آخرت گرفتار نشویم.

بار پروردگارا! از نعمت وجود، عقل و شعور، تعقل و تفکر بهره‌مندمان کرده‌ای اما در مقابل نعمت‌های بیکران تو از جمله نعمت یکتاپرستی و آشنایی و پیروی از قرآن، پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) فقط به اسم مسلمانی بسنده کرده‌ایم و شکر گزار عملی نعمت‌های نبوده‌ایم و اسیر نفس شده و کفران نعمت نموده‌ایم، اما در این نافرمانی‌ها قصد عصیان و طغیان در برابر تو را نداشته‌ایم بلکه نقصانی که از ما سر زده از روی نادانی و جهالت بوده است.

بار پروردگارا! توفیق توبه و بازگشت به سوی خودت و جبران غفلت و لغزش‌های گذشته را بر ما عنایت بفرما! و یک چشم بر هم زدن ما را به حال خودمان وامگذار.

خدایا! معبودا! اگر در صف عاشقان نیستیم، توفیق عنایت فرما که حداقل در صف میراث‌داران و پیام‌رسانان واقعی شهدای راه عشق باشیم. و به تمام پویندگان راه شهدا توان بیمودن این راه پر مسئولیت را عنایت بفرما!

ثواب معنوی این اثر را به ارواح طیبه‌ی امام خمینی و شهدا و پدران و مادران محترم شهدا که ابراهیم و هاجر گونه فرزندان خود را به قربانگاه عشق فرستادند، خصوصاً عموی بسیجی و ولایتی‌ام و از یاد گاران دوران دفاع مقدس زنده یاد حاج امیر علی شاه‌محمدی آذر قره‌باغ که در تاریخ ۱۴۰۱/۴/۲۸ به فرزند شهیدش امام‌علی پیوست تقدیم می‌نمایم. در ضمن از همه عزیزانی که به عناوین مختلف کمک کارم بودند به ویژه دختر باوقار و متدینم مریم کمال تشکر را دارم و اجرشان نزد خداوند متعال محفوظ است. ان شاء الله

باباعلی محمدی آذر (شاه‌محمدی آذر قره‌باغ)، دهه‌ی فجر ۱۴۰۱/ارومیه

^۱ - امام حسین (ع) می‌فرماید: «از دانش تو را همین بس که از خدا بترسی و از جهل، تو را همین بس که از دانشت خوست بیاید.» (الامالی شیخ طوسی، ج ۷، ص ۵۶).

□ پرهیز از افراط و تفریط

قرآن کریم و رسول خدا (ص) مسلمانان را از افراط و تفریط و تندروی و کندروی بر حذر داشته‌اند که به دو آیه به اختصار اشاره می‌کنیم:

در آیه ۱۴۳ سوره‌ی بقره آمده است: وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرُّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا... و ما همچنان شما (مسلمین) را به آئین اسلام هدایت کردیم و به اخلاق معتدل و سیرت نیکو یاراستیم تا گواه مردم باشید چنانچه پیغمبر را گواه شما کردیم (تا شما از وی بیاموزید).

در آیه ۸۷ سوره حج می‌خوانیم: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ»

و برای خدا حق جهاد در راه او را (با دشمنان دین و با نفس اماره) بجای آرید (در طلب رضای او به قدر طاعت بکوشید) او شما را به دین خود سرافراز کرده و در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج ننهاده (و این آئین اسلام) مانند آئین پدر شما (ابراهیم خلیل) است که خدا از این پیش شما را (در صحف او) و در این قرآن، مسلمان نامید تا این پیامبر بر شما گواه (خداپرستی) باشد و شما بر مردم گواه باشید، پس نماز بپا دارید و زکات به مستحقان بدهید و به خدا (و کتاب او) متوسل شوید که او پادشاه (و مولا و نگهبان و حافظ و ناصر) شماست که نیکو مولا و نیکو یاور است.

این آیات گواه جاودانگی قرآن و بی‌همتایی تعلیم دین مبین اسلام است. امت وسط یعنی امت اسوه و برگزیده و گواه بر همه‌ی انسان‌ها در جهان است. واژه امت وسط به معنای معتدل، میانه و

بهترین و معنای اصطلاحی آن نیز پرهیز از افراط و تفریط و برگزیدن راه میانه در اعتقادات، اخلاقیات، سیر و سلوک و به طور کلی اعتدال در زندگی دنیوی و ابعاد مختلف آن است. در حوزه فردی و اجتماعی امت وسط امتی است که نه دچار خرافه پرستی و نه مسحور دانش جدید و نه دلداده به دنیا و تسلیم او و نه گریزان از آن و نه جدای از حیات اجتماعی و نه فریفته‌ی تجددگرایی و آزادی به معنی رهایی نفس و هواهای نفسانی و نه فرو رفته در اندیشه‌ی واپسگرایانه و مخالف هر گونه مدنیت و پیشرفت است.

در حوزه‌ی عقاید و اعتقادات دینی و مذهبی امت وسط امتی است که از افکار و اندیشه‌های غلوآمیز درباره پیامبران و امامان معصوم (ع) و اولیاء الهی به دورند.^۱ نه حضرت عیسی را خدا یا فرزند خدا می‌دانند و نه حضرت مریم را با تمام عظمت و جلالت خود معبود انسان‌ها، نه حضرت علی (ع) را خالق بشر و نه امامان و اولیاء الهی را اداره کننده دستگاه آفرینش.^۲ در امت وسط کتاب خدا و سنت رسول الله محور و معیار دین و حرکت است. موضع‌گیری در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز به اعتدال توصیه شده است. حضرت امیرالمؤمنین می‌فرماید: «اليمين و الشمال مضلة و الطريق الوسطی هی الجادة» - چپ و راست انحراف است و راه وسط همانا صراط مستقیم است^۳ و نیز می‌فرماید: «بر شما باد به میانه‌روی در کارها، زیرا هر که از میانه‌روی، روی برتابد ستم کند و هر که به آن پایبند گردد به عدالت رفتار کند»^۴.

اگر در موضع‌گیری انسان‌ها رضایت خدا و خدمت به دین و صیانت از انقلاب و حل مشکلات جامعه مد نظر باشد دچار افراط و تفریط نخواهد شد و نیز اگر اظهار نظر و موضع‌گیری‌ها

۱- بنگرید به: منشور عقاید امامیه، آیت الله جعفر سبحانی، انتشارات مؤسسه‌ی امام صادق (ع)، قم، ۱۳۸۹، ص ۲۵۵
 ۲- امام علی (ع) مردم را از افراط و تفریط نسبت به خودش بازداشتی است. در فرازی از خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه می‌فرماید: «به زودی دو گروه نسبت به من هلاک گردند: دوستی که افراط کند و به غیر حق کشانده شود. - این گروه در تاریخ به غلاة شیعه معروف شده اند- و دشمنی که در کینه‌توزی با من زیاده‌روی کرده و به راه باطلی درآید. - این دسته ناصبی نامیده شده اند که شامل دار و دسته بنی امیه و سایر بدخواهان ائمه از جمله وهابیت هستند- بهترین مردم نسبت به من گروه میانه‌رو هستند. از آن‌ها جدا نشوید». وهابیت شیعه را به خاطر تبرک به آثار اولیای خدا به شرک و دوگانه‌پرستی متهم می‌کند ولی آنها معنی توحید و شرک را درست تحلیل نکردند زیرا شرک و پرستش غیر خدا بدان معناست که در کنار پرستش خدا موجودی دیگری را نیز خدا بدانید و یا کارهای خدایی را به وی نسبت دهید به طوری که او را در اصل هستی و یا اثربخشی مستقل و بی‌نیاز از خدا قلمداد نمایید در حالی که شیعه آثار اولیای خدا را مانند خود آنان مخلوق و آفریده خدا می‌داند که هم در اصل وجود و پیدایش خود و هم در منشأ آثار بودن نیازمند به خداوند یگانه اند.

۳- خطبه ۱۶ نهج البلاغه

همراه با مطالعه و تحقیق و پشتوانه علمی و به‌دوراز گمانه‌زنی و حدس و گمان و بر اساس شنیده باشد رعایت اعتدال و انصاف خواهد شد.^۱ در معاشرت با خلق‌الله نیز میانه‌روی و اعتدال پسندیده‌تر است. به قول سعدی شیرین سخن: «نه‌چندان درشتی کن که از تو سیر شوند و نه‌چندان نرمی کن که بر تو دلیر شوند.» و یا به قول ارسطو فیلسوف یونانی: «فضیلت انسان در نگه‌داشتن حد وسط میان افراط و تفریط است.»

در استفاده و بهره‌مندی از نعمت‌های الهی نیز دستور بر رعایت اعتدال و میانه‌روی است. در قسمتی از آیه‌ی شریفه‌ی ۳۱ سوره‌ی اعراف می‌خوانیم: «و کُلُوا و اشربوا و لا تسرفوا اِنَّهٗ لایحِبُّ المَسْرِفِینَ».

در استفاده از مواهب دیگر یعنی خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های پاک و پاکیزه بخورید و بنوشید ولی اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد. چون طبع زیاده‌طلب انسان ممکن است از این دو دستور سوءاستفاده کند و به‌جای استفاده‌ی عاقلانه و اعتدال‌آمیز از پوشش و تغذیه صحیح، راه تجمل‌پرستی و اسراف و تبذیر را پیش گیرد. لذا دستور بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید را می‌افزاید.

امروزه ثابت شده است که یکی از مهم‌ترین دستورات بهداشتی با توجه به تحقیقات دانشمندان به میانه‌روی و اعتدال است. نتیجه‌ی تحقیقات نشان داده که سرچشمه‌ی بسیاری از بیماری‌ها، غذاهای اضافی است که به‌صورت جذب نشده در بدن انسان باقی می‌ماند، این مواد اضافی هم بار سنگینی است برای قلب و سایر دستگاه‌های بدن و هم منبع آماده‌ای است برای انواع عفونت‌ها و بیماری‌ها! عامل اصلی تشکیل این مواد مزاحم، اسراف و زیاده‌روی در تغذیه و به‌اصطلاح (پرخوری) است و راهی برای جلوگیری از آن جز رعایت اعتدال در غذا نیست. کسانی که این دستور را ساده فکر می‌کنند خوب است در زندگی خود آن را نیازمند تا اهمیت رعایت این

^۱ - بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گروه‌گرایی و جناح‌بندی و انحصارطلبی میان نیروهای انقلابی رونق گرفته و جریانات انقلابی تحت عنوان چپ و راست و یا انقلابی و محافظه‌کار در سال‌های اخیر «اصلاح طلب یا اصول‌گرا» رو درروی هم صف‌آرایی کرده و به حاشیه‌سازی و تخریب هم می‌پردازند و برای توجیه رفتارهای خود، خدمت به اسلام و انقلاب و اطاعت و حمایت از رهبری را بهانه می‌آورند. این نوع رفتارها عاملی برای تضعیف انقلاب و زیاده‌شدن مشکلات مردم و امیدوار شدن دشمنان به ضربه زدن به کیان انقلاب اسلامی شده است. در اصل ریشه‌ی جبهه‌بندی‌ها چیزی نیست جز نفسانیت و خودخواهی و...

دستور را در سلامت جسم خود ببینید. به قول ذوالنون مصری: «صحت تن در اندک خوردن است و صحت روح در اندکی گناه».

فراوانی نعمت آمیخته با امنیت و عدم اسراف و تبذیر محیط بسیار مرفه برای زندگی پاک آماده می‌کند. محیطی مهیا برای اطاعت پروردگار و تکامل در جنبه‌های معنوی، ولی وفور نعمت با اسراف و مصرف‌گرایی و عدم شکر و سپاس از آفریننده‌ی این نعمت‌ها انسان‌ها را سرمست و غافل می‌کند. تا آنجا که شکاف طبقاتی عمیق بین اقشار غنی و فقیر ایجاد می‌شود و زورمندان محرومان را به استضعاف می‌کشانند. در آیین اسلام توصیه‌های مکرر مبنی بر اعتدال و میانه‌روی در مصرف و پرهیز از اسراف و تبذیر شده است^۱ و در اهمیت قناعت نیز فرمایشات زیادی از معصومین (ع) بیان شده است؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «لا کثر کالقناعه - گنجی همچون قناعت نیست»^۲.

شاعر گوید: ز پیر جهان دیده کردم سؤالی که بهر معیشت ز مال و بضاعت
چه سرمایه سازم که سودم دهد گفت اگر می‌توانی قناعت قناعت

^۱ - واقعیت امر آن است که ایرانیان یکی از مصرف‌گراترین کشورهای دنیا هستند و در ریخت‌وپاش و حیف‌ومیل در اکثر امور پیش قدم می‌باشند و با فرهنگ بهره‌وری میانه خوبی ندارند و با توجه به جمعیت هشتاد میلیون در بعضی موارد به اندازه کشورهای یک میلیارد جمعیتی مصرف دارند مثلاً مصرف سرانه نهایی گاز طبیعی ایران ۶/۶ برابر مصرف جهانی است، شاخص مصرف انرژی در ایران به ازای هر متر مربع در سطح زیربنا به طور میانگین سه تا چهار برابر دنیاست؛ و تلفات انرژی در بخش خانگی و گرمایش در طول فصول سرد سال بسیار بالاست. به این علت همین موضوع سبب می‌شود ظرفیت‌های صادراتی در بخش ارزش افزوده و دیگر بخش‌ها محدود شود. مصرف سرانه انرژی ایران ۸۰٪ بالاتر از میانگین جهانی است. به یک معنی یک درصد ذخایر انرژی دنیا در کشور ماست اما دو درصد مصرف انرژی دنیا را داریم.

در کل سرانه نهایی در کشورهای نظیر چین، هند، ژاپن، ترکیه و ونزوئلا و منطقه غرب آسیا از ایران پایین‌تر است.

^۲ - غررالحکم، ج ۲، ص ۳۳۲

□ اسلام دین نوع دوستی

دین مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها است که از سوی خالق حکیم به جهت جذب مصلحت و دفع مضرات از انسان، منظور شده است^۱ و اگر با زندگی مردم آمیخته و به کار برده شود آن‌ها را از افراط و تفریط در بسیاری از کارها باز می‌دارد و انسان را از بندگی و عبودیت ظالمان خارج می‌سازد و او را به بندگی و عبودیت خدا و پیروی از حجج خدا (پیامبر و ائمه (ع)) رهنمون می‌سازد. درک آگاهانه از دین سرچشمه اصلی مقاومت و ایستادگی در مقابل کج اندیشی‌ها است. دین داری باید بر اساس بصیرت باشد. احکام الهی مایه رحمت برای مردم است. کتب آسمانی عامل بصیرت و هدایت است تا انسان بصیرت پیدا نکند هدایت نمی‌شود و تا هدایت نشود لطف و رحمت الهی را دریافت نمی‌کند. (بصائر للناس و هدی و رحمه لعلهم یتذکرون - قصص، آیه ۴۳) دین جزو فطرت انسان‌ها و کتب آسمانی آن فطرت را غبارزدایی می‌کنند. به کارگیری دین در زندگی انسان به اصلاح چهار مؤلفه منجر می‌شود:

- اصلاح رابطه‌ی انسان با خدا

- اصلاح رابطه‌ی انسان با خودش

- اصلاح رابطه‌ی انسان با جامعه

- اصلاح ارتباط انسان با طبیعت به عنوان مظهر حق و آیت الهی و مراقبت از محیط زیست. نظر

به اینکه دین برنامه زندگی است ناگزیر نسبت به آنچه که با زندگی ارتباط دارد وظیفه‌ای برای

^۱ - الدین النصیحة لله و لرسول والائمة المسلمین و عامتهم، دین همان دعوت است به آنچه که در آن اصلاح است

و نهی از آنچه که در آن فساد است در راه خدا و پیامبرانش و پیشوایان مسلمین و جمع مسلمانان. رسول خدا

(ص) صحیح بخاری جلد ۱ صفحه ۱۳، کتاب ایمان. نیز الامالی، طوسی، صفحه ۸۴

انسان تشخیص داده و انجامش را از وی می‌خواهد به‌طور کلی زندگی ما با چهار امر ارتباط دارد که در بالا اشاره شد، به‌اختصار به چند مورد از آن‌ها می‌پردازیم:

وظیفه‌ی انسان نسبت به خدا:

وظیفه‌ی ما نسبت به خدای متعال مهم‌تر از همه‌ی وظایف است که باید با دلی پاک و نیتی خالص در انجام آن کوشیده و برای نخستین بار وظیفه‌ی هر انسانی است که آفریدگار خود را بشناسد.^۱ پس از خداشناسی، دومین وظیفه‌ی ما خداپرستی است، زیرا در ضمن شناسایی حق، این حقیقت روشن می‌شود که سعادت و نیک‌بختی که یگانه هدف ما است در عمل کردن و اجرای برنامه‌ای است که خدای مهربان برای زندگی ما معین فرموده و به‌وسیله‌ی فرستادگان خود ابلاغ داشته است. پس اطاعت فرمان خداوندی و بندگی او یگانه وظیفه‌ای است که هر وظیفه‌ی دیگری در برابر آن ناچیز و کوچک است. خدای متعال می‌فرماید: «و قُضِيَ رِبْكَ اَلَّا تَعْبُدُوا اِلَّا اِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا / بنی اسرائیل آیه ۲۳ / دستور خداوند این است که غیر از او کسی را نپرستید و از دیگری اطاعت نکنید و در ضمن به پدر و مادر خود نیز احسان و نیکی کنید.»

وظیفه‌ی انسان نسبت به خود:

انسان در زندگی خود هر روشی را که دنبال کند و هر راهی را که پیماید در حقیقت جز سعادت و کامیابی خود چیزی نمی‌خواهد و چون شناختن سعادت چیزی، فرع شناختن خود آن چیز است؛ یعنی تا خود را نشناسیم نیازمندی‌های واقعی خود را که سعادت ما در رفع آن‌هاست نخواهیم شناخت؛ بنابراین لازم‌ترین وظیفه‌ی انسان این است که خود را بشناسد تا بدین وسیله سعادت و خوشبختی خود را درک نموده و با وسایلی که در دست دارد در رفع نیازمندی‌های خود بکوشد و عمر گرانمایه را که تنها سرمایه‌ی اوست به‌رایگان از دست ندهد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر که خود را بشناسد خدا را شناخته است.»^۲ علی (ع) می‌فرماید: «کسی که خود را

^۱ - امام محمدباقر (ع) در بیان اینکه معرفت به خدا چیست فرمود: «تصدیق الله عزّوجلّ و تصدیق رسوله (ص) و مولا علی (ع) و الاهتمام به و بائمة الهدی والبراء الی الله عزّوجلّ من عدوهم. (اصول کافی ج ۱ ص ۲۵۴ - معرفت خدا باور داشتن خدای عزّوجلّ و باور داشتن پیامبرش (ص) و دوست داشتن علی (ع) و پیروی از او و امانان هدی (ع) و بیزاری جستن از دشمنان ایشان به سوی خداوند عزّوجلّ است.

^۲ - دین ظاهری دارد و باطنی، بعضی مواقع انسان از بس به ظواهر دین سرگرم می‌شود و از جوهر دین که اطاعت از امر خداست غافل می‌شود. امام علی (ع) در فرازی از خطبه ۱۲۹ نهج البلاغه می‌فرماید: «اگر دنبال رضایت خدا هستیم آن‌هم جز با اطاعت و بندگی میسر نمی‌شود: «ولا تنال مرَضَاتَهُ اِلَّا بِطَاعَتِهِ - و جز با عبادت، رضایت او را

بشناسد به بالاترین مرحله‌ی معرفت رسیده است.^۱ بعد از آنکه انسان خود را شناخت متوجه می‌شود که بزرگ‌ترین وظیفه‌اش این است که گوهر انسانیت خود را گرامی دارد. چنین گوهر تابناکی را پایمال هوی و هوس نماید و در بهداشت ظاهری و باطنی خود بکوشد تا به یک زندگی شیرین و لذت بخش جاودانی نائل شود. وجود انسان از دو چیز تشکیل یافته است: روان و تن؛ وظیفه‌ی انسان است که در حفظ صحت و استقامت هر دو رکن خود بکوشد و به‌طوری که در آئین مقدس اسلام نسبت به هر دو بخش دستورهای دقیق و کافی داده شده است، در بهداشت روان و تن خود سعی نماید.

در بهداشت روح به رعایت: تهذیب اخلاق و نفس «تقوا»، تحصیل علم، وظیفه‌ی انسان نسبت به پدر و مادر، احترام به بزرگان،^۲ وظیفه‌ی انسان نسبت به خویشاوندان (صله ارحام)، وظیفه‌ی انسان نسبت به همسایگان و زیردستان و ... توصیه شده است. وظیفه‌ی انسان نسبت به جامعه:

چنانکه می‌دانیم افراد انسان به دستیاری هم کار می‌کند و در اثر آن از کار و کوشش همدیگر استفاده کرده، نیازمندی‌های خود را رفع می‌نمایند، جامعه‌هایی که از این افراد به وجود می‌آید به منزله یک انسان بزرگ است و هر یک از افراد مانند عضوی از اعضاء این انسان بزرگ است. وظیفه‌ی افراد اجتماع نیز نسبت به جامعه همان وظیفه‌ی اعضاء یک انسان است یعنی آدمی باید منافع خود را در ضمن منافع جامعه بخواهد و از کار و کوشش خود بهره‌برداری جامعه را در نظر

نمی‌توان به دست آورد.» برخی پنداشته اند که اعتقاد به ولایت، کوتاهی در دیانت و یا انجام واجبات و ترک محرمات را جبران می‌کند، ائمه طاهرين (ع) با روشنگری به مقابله با این اندیشه برخاسته اند؛ از جمله امام محمدباقر (ع) فرمود: «هر یک از شما که مطیع خدا باشد، ولایت ما برایش فایده دارد و هر یک از شما که گنه‌کار است، ولایت ما برایش فایده‌ای ندارد. وای بر شما! مغرور نشوید. وای بر شما مغرور نشوید.» اصول کافی جلد ۲ صفحه ۶۱. دین برنامه زندگی برای رسیدن به صلاح و رستگاری است البته توجه به جوهر و ماهیت دین مهم است و تمسک به ظواهر عبادات ابزار و وسیله‌ای برای رسیدن به آن معنی و مضمون است پس روح عبادت، بندگی خداست، بندگی یعنی تسلیم در مقابل خدا، یعنی شکستن آن بتی که در درون ماست.

^۱ - معرفة النفس انفع المعارف - خودشناسی سودمندترین شناسایی هاست؛ و هم او فرمود: عجب لمن ینشد ضاله کیف ینشد... - در شگفتم از کسی که چیزی از خود را گم می‌کند و در جستجویش برمی‌آید و خود را گم کرده اما جستجو نمی‌کند. نقل از انسان در قرآن، مرتضی مطهری ص ۶۹

^۲ - انسان‌های پیر گنجینه‌ی دانش و تجربه اند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «البکره مع الاکابر - وجود بزرگان مایه خیر و برکت است.» و نیز می‌فرماید: «اکرم بالشیوخ - بزرگان خود را تعظیم و بزرگ بدارید.» نهج الفصاحه حدیث

گیرد. از زحمت خودش برخوردار شود و به همه نفع برساند تا خود نیز بتواند نفع برده از حقوق همه دفاع کند تا حقوق خودش از بین نرود. این حقیقتی است که ما با فطرت خدادادی خود می‌فهمیم و دین مقدس اسلام نیز که بر اساس فطرت و آفرینش استوار است حکم و نظری جز این نخواهد داشت.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: مسلمانان برادر همدیگرند و در برابر بیگانگان به منزله یک دست، یک دل و یک جهت می‌باشند. المسلم اخو المسلم، والمسلم نصیح المسلم / مسلمان برادر مسلمان است و مسلمان پندگویی مسلمان است.

باز می‌فرماید: «الم سلم من سلم المسلمون من یده و لسانه / مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبان او در امان باشند».

روزی شخصی از امام صادق (ع) سؤال کرد از کجا بدانیم حجتان قبول شده است؟ امام فرمود: «به همان اندازه که مردم از دست و زبانان در امان باشند به همان اندازه قبول شده است.» و نیز از رسول خدا (ص) نقل است که می‌فرماید: «من أصبح ولم يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم» یعنی کسی که شب را صبح کند و به امور مسلمانان اهمیت ندهد مسلمان نیست.^۳

رسول خدا (ص) درباره سیدالاعمال می‌فرماید: «سید الاعمال انصاف الناس من نفسک و مؤاساة الاخ فی الله و ذکر الله عزوجل علی کل حال». انصاف در برخورد با مردم، ایثار نسبت به برادران در راه خدا و یاد خدا بودن در همه‌ی حالات سید اعمال نزد خداست.^۴ باز ایشان می‌فرماید «من لا یرحم الناس لا یرحمه الله». هر کسی به مردم رحم نکند، خداوند نیز به او رحم نمی‌نماید.^۵ «مداراة الناس نصف الايمان و الرّفق بهم نصف العیش». مدارا کردن با مردم نصف دین، دوستی و نرمی با آنها نیمی از زندگی است.^۶

امام حسن عسکری (ع) درباره‌ی وظایف مسلمانی و شیعه بودن می‌فرماید: «اوصیکما به

^۱ - صحیح بخاری، حدیث ۱۱، کتاب ایمان، ص ۲۳

^۲ - مولوی گوید: طواف کعبه دل کن اگر دلی داری
هزار بار پیاده طواف کعبه کنی

^۳ - اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳

^۴ - همان

^۵ - مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۵۵

^۶ - کافی، ج ۳، ص ۱۱۷

دل است کعبه معنی، گل چه پنداری
قبول حق نشود اگر دلی بیازاری

تقوی الله و نظم امرکم و الورع فی الدین و جهاد فی سبیل الله و اداء امانات و طول السجود و الحسن الجوار و هذا بعثت محمد بن عبدالله (ص)^۱

یکی از نشانه‌های مسلمانی راست گویی و امانت داری است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «نماز و روزه‌ی مردم شما را فریب ندهد، زیرا چه بسا شخص آن چنان به نماز و روزه انس گرفته که ترک آن سبب وحشت اوست و لکن اختبروهم عند صدق الحدیث و اداء الامانه، بلکه آنان را به راست گویی و امانت بیازمایید»^۲

در حدیثی از رسول خدا (ص) نقل است که: همه مردم را «عیال الله» اعضای خانواده خدا شمرده و بهترین آنان را سودمندترین آنان خواند: «الخلق عیال الله فاحب الخلق الی الله من نفع عیال الله». همچنین از تصریح قرآن به اینکه هر کس فردی را بکشد یا زنده کند چنان است که همگان را کشته یا زنده کرده است،^۳ درمی‌یابیم که انسان‌ها یک پیکرند و وابسته به یکدیگرند. نکته‌ی مهم آن است که هر انسان همان‌سان که به خودش تعلق دارد، به دیگر انسان‌ها نیز تعلق دارد. سعادت هر انسان بسته به سعادت دیگر انسان‌هاست و سعادت فردی افسانه‌ای بیش نیست. انسانی که در بند خودش است، نه انسان و نه خویش انسان است.

خلاصه‌ی بحث این است که راه رسیدن به خدا و نزدیک‌ترین راه میانبر به قرب الهی خدمت بی‌منت و صادقانه به بندگان خداست.

شیخ رجبعلی خیاط می‌گوید: با خداوند انسی داشته، التماس کردم که سر خلقت چیست؟ به من فهمانند که سر خلقت احسان به خلق است^۴

فرمایش **امام زمان (عج)** به علی بن مهزیار اهوازی درباره‌ی کسانی که مشتاق زیارت معظم له هستند مؤید مطلب است: «ای مهزیار برای ملاقات من نیاز به چله نشینی و ... نیست اگر شما مردم باهم خوب تا کنید و رحم و مروت داشته و مراعات حال هم را بکنید نیازی نیست که شما دنبال من بگردید، بلکه من به دیدن شماها می‌آیم»^۵

^۱ - تحف العقول، ص ۵۱۸

^۲ - الاختصاص، ص ۲۲۹

^۳ - اصول کافی، ج ۱، ص ۱۳۱

^۴ - سوره مائده، آیه ۳۲

^۵ - سایت صالحین

^۶ - بحار الانوار، ترجمه ج ۵۱، ص ۷۳۰

از آیت الله شیخ فاضل لنکرانی نقل است: «من پنجاه سال است اسلام را می‌خوانم بگذارید خلاصه‌اش را بگویم: شما واجبات را انجام بده و به جای مستحبات به کار مردم برس و کار مردم را راه بینداز و اگر روز قیامت سؤال کردند بگو فاضل لنکرانی چنین گفت.»^۱

به قول شهید مطهری: «خدمت به خود، خودپرستی و خدمت به خلق، خلق پرستی است و خدمت به خلق برای رضای خدا عین خداپرستی است.»^۲ نتیجه‌ی بحث این شد که هر مسلمانی سه نوع وظیفه دارد: وظیفه در برابر خدا (ایمان) به اوست، وظیفه در برابر خود (تقوا) یا کنترل نفس و در برابر مردم (احسان) نیکی کردن است که جود و فضل و ایثار را هم شامل می‌شود.

در اشعار بعضی از شعران نیز نوع دوستی انعکاس یافته است. سعدی می‌سراید:

تو هرگز رسیدی به فریاد کس که امروز خواهی فریادرس
کسی خسب آرام زیر گل که خسبند مردم از او آسوده‌دل
خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از او در آسایش است
در حکایت دهم از باب اول گلستان وی می‌خوانیم:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی

سخن در این نیست که انسان نباید موجب محنت دیگران شود؛ بلکه فراتر از این، نباید در برابر محنت دیگران بی‌اعتنا باشد. آنکه بد نمی‌کند و کسی را در رنج نمی‌افکند، اما از مظلومیت و رنج دیگران آشفته نمی‌شود، همدست کسانی است که بد می‌کنند. تقوای سلبی کافی نیست، تقوای ایجابی نیز لازم است. عده‌ای از اینکه مثقالی ظلم به خودشان می‌شود، برمی‌آشوبند، اما یک خروار ظلم به دیگران را نمی‌بینند. اینان ظلم به خود را ظلم می‌دانند و ظلم به دیگری را یا ظلم نمی‌دانند یا مربوط به دیگری می‌دانند. به قول شاعر:

بیری مال مسلمانی چون مالت ببرند / بانگ و فریاد بر آری که مسلمانی نیست.

^۱ - وب سایت آیت الله عظمی فاضل لنکرانی

^۲ - سعدیا چون بت شکستی خود مباش / خودپرستی کمتر از اصنام نیست (کلیات سعدی، ص ۹۶)

^۳ - پایگاه جامع استاد مطهری

^۴ - سعدی گوید: کجا خود شکر این نعمت گذارم / که زور مردم آزاری ندارم (گلستان ص ۱۰۹)

حافظ گوید: من از بازوی خود دارم بسی شکر / که زور مردم آزاری ندارم (دیوان ص ۲۶۷)

□ جریاناتی از ایشان حمایت می کنند که از آن ها بوی فتنه می آید

در حال و هوای انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری گرایش ها و جناح بندی ها آرایش سیاسی خود را نشان می دهند و جبهه بندی ها و حمایت و تبلیغ از کاندید مورد نظر آشکار می شود که یکی از اصول دموکراسی و یا ایفای نقش مردم در شکل گیری ارکان حکومتی و اداره ی کشور به حساب می آید. حضور مردم به ویژه جوانان و تحصیل کرده ها و دانشجویان در کارزار تبلیغات و حمایت از کاندید مورد نظر و جلب آرای مردم امری پسندیده است اما اگر با رعایت اصول اخلاقی و تقوای سیاسی، بدون تهمت و افترا و تخریب شخصیت دیگران باشد.^۱ همگان مستحضرند که در تبلیغات انتخاباتی کشور اعم از مجلس و ریاست جمهوری به جای مناظره، مناظره اتفاق می افتد. نامزدها به جای ارائه ی طرح و برنامه های خود برای اداره ی کشور به تخریب هم می پردازند و سوژه ی خوبی برای بدخواهان انقلاب و رسانه های خارجی برای تبلیغ علیه نظام اسلامی درست می کنند و با تهمت زدن به همدیگر به تشویش اذهان عمومی می پردازند.

بهرتر است کاندیدها برنامه ارائه کنند و نامزدها برنامه های همدیگر را نقد و بررسی کنند و مردم

^۱ - ایفای نقش اجتماعی و احساس مسئولیت در قبال سرنوشت جامعه و حضور حداکثری در صحنه انتخابات از ابزار مشارکت سیاسی و امری معقول و پسندیده و نشان از رشد و بالندگی ملت به شمار می آید اما باید فرهنگ سازی کرد تا فعالیت تبلیغاتی و حمایت از نامزدهای مورد نظر با رعایت اصول اخلاقی و تقوای سیاسی همراه باشد. بعضاً برای جلب آرای بیشتر برای شخص مورد نظر به تخریب دیگران و یا به زیر سؤال بردن عملکرد نظام پرداخته می شود. سؤال اینجاست که چرا برای صاحب مقام و منصب شدن دیگران ما گرفتار گناه و معصیت می شویم و چرا متوجه نیستیم که در روز محشر هرکس در فکر احوالات و عملکرد خودش است پس به خاطر دنیای دیگران آخرتمان را خراب نکنیم. کلام معصومین (ع) است که: «لا طاعة لمخلوق فی معصیة الخالق». حکمت ۱۶۵ نهج البلاغه

با پیگیری مناظره‌ها انتخاب کنند که برنامه‌ی چه کسی مشکلات مردم را حل و به پیشبرد اهداف انقلاب کمک می‌کند.

از طرف دیگر پایین بودن شم سیاسی، حسادت و خودمحوری، بداندیشی نظری و عملی، التقاطی‌گری، عقده‌گشایی، شهوت و شهرت، فرقه‌گرایی و خویشاوند سالاری، ساده‌لوحی، زودباوری و قرار گرفتن در تشکیلات بی‌اساس حزبی، ناتوانی در درک صحیح شرایط زمانی و مکانی و هوشمندی دشمنان در پهن کردن تور انحراف برای یاران خاص، یکی از عوامل مهم رودرویی نیروهای به‌ظاهر انقلابی و خط امامی با نظام و رهبری جمهوری اسلامی می‌شود و این رودرویی در رقابت‌های انتخاباتی بیشتر خود را نشان می‌دهد و باعث لغزیدن پای انقلابیون و ریزش نیروها خواهد شد.

عناصر افراطی جریان اصلاح‌طلب بودند که در جریان ریاست جمهوری آقای محمد خاتمی، با عبور از خاتمی، بحران کوی دانشگاه (۱۸ تیر ۱۳۷۸) و فضا سازی علیه جایگاه ولایت فقیه و نزدیکی به آمریکا و تبلیغ علیه اصول انقلاب تحت عنوان اصلاحات و... پدید آوردند و بیشترین توهین‌ها را به هاشمی رفسنجانی کردند و با مطرح کردن عالی جناب سرخ‌پوش به ترور شخصیت ایشان پرداختند.

این نگرانی در میان دوستداران انقلاب اسلامی بود که عناصر افراطی جریان اصلاح‌طلب نخواهند گذاشت انتخابات سال ۱۳۸۸ با خوبی و خوشی به سرانجام برسد و با تشکیل کمیته‌ی صیانت از آراء به بهانه‌ی عدم تقلب در انتخابات، این شائبه را در اذهان ایجاد کردند که رژیم قصد اعمال نفوذ در انتخابات را دارد و هیچ شکی نبود که بعضی از متسین به این جریان از خارج از مرزها خط می‌گرفتند.

به‌هر حال فتنه ۸۸ به بهانه‌ی تقلب در انتخابات کلید خورد. در چنین شرایطی دشمنان خارجی انقلاب مترصد فرصت هستند تا از زمینه‌های داخلی و بسترهای ایجاد شده توسط عوامل داخلی سوار موج بشوند و دایه‌ی مهربان‌تر از مادر شده و برای دموکراسی و حقوق بشر و آزادی و حقوق مردم دل بسوزانند و اشک تمساح بریزند. در حالی که آنچه برای سلطه‌گران مطرح است به‌ظاهر دفاع از حقوق ملت‌ها و در اصل رسیدن به منافع استعماری خود است. در فتنه‌ی سال ۱۳۸۸ تمام گروه‌های ضدانقلاب با توجه به سلايق فکری و سیاسی متفاوت و رسانه‌های خارجی و دولت‌های